

داری ششم

کوشا و نوشا



کوشا و نوشا

دو پرنده‌ی کوچک در جنگلی زندگی می‌کردند. اسم یکی از آن‌ها «کوشا» و اسم دیگری «نوشا» بود. آن‌ها شبیه هم بودند و همیشه با هم پرواز می‌کردند.

روزی پدر و مادرشان به آن‌ها گفتند: «شما دیگر بزرگ شده‌اید. غیر از بازی کردن باید چیزهای دیگری هم یاد بگیرید.» کوشا و نوشا خوش حال شدند و پروازکنان، لانه‌شان را ترک کردند. آن‌ها در راه، دارکوبی را دیدند. دارکوب پرنده‌ی دانای جنگل بود.



کوشا و نوشا از او خواستند کسى از علم و دانايى خود به آن ها بياموزد. دارکوب گفت: «بسيار خوب، اما کار ساده اى نيست. شما بايد سال ها تلاش کنيد تا دانا شويد.» کوشا و نوشا قبول کردند. دو سال گذشت. کوشا به آموختن ادامه داد اما نوشا از آموختن خسته شد. او دلش مى خواست آزاد باشد، بازى کند و از اين شاخه به آن شاخه بپرد. براى همين، يك روز پرواز کرد و از آنجا رفت.

نوشا در راه به هدهد رسيد که پاکيزه، راست گو، امانت دار و مهربان بود. از هدهد خواست تا اين چيزهاى خوب را به او ياد بدهد. هدهد قبول کرد که به او آموزش بدهد. دو سال نگذشته بود که نوشا از اين کار هم خسته شد و از پيش هدهد رفت.

اين بار به طوطى سخن گو رسيد و از او خواست خوب حرف زدن را به او ياد بدهد. طوطى گفت: «بسيار خوب، اما تو بايد اول خوب ديدن و خوب گوش کردن را ياد بگيري و تمرين کنى، تا بتوانى خوب سخن بگويى. اين کار، چند سال طول مى کشد.»

نوشا قبول کرد ولی هنوز یک سال نگذشته بود که از آموختن خسته شد. برای همین، یک روز پروازکنان از پیش طوطی رفت. او تصمیم گرفته بود پیش پدر و مادرش برگردد. سرانجام، نوشا به لانه برگشت و دید همه از خوبی و دانایی کوشا حرف می زنند. کمی به فکر فرو رفت؛ سپس پدرش این شعر فردوسی را برایش خواند:

توانا بُود هر که دانا بُود ز دانش دلِ پیر، بَرنا بود



پیام درس

دخترهای عزیزم، ما باید غیر از بازی کردن باید چیزهای دیگری هم یاد بگیریم.

برای رسیدن به هر هدفی باید تلاش و کوشش داشته باشیم.

باید با حوصله به حرف های افراد دانا گوش بدهیم و از آن ها علم بیاموزیم.





درست، نادرست

۱. نوشا از هُدهُد چیزهای خوب را یاد گرفت.
۲. دارکوب به کوشا و نوشا گفت: «شما باید سال‌ها تلاش کنید.»
۳. کوشا خوب سخن گفتن را از طوطی آموخت.
۴.



درست، نادرست

۱. نوشا از هُدهُد چیزهای خوب را یاد گرفت. ❌
۲. دارکوب به کوشا و نوشا گفت: «شما باید سال‌ها تلاش کنید.» ✅
۳. کوشا خوب سخن گفتن را از طوطی آموخت. ❌
۴. کوشا از دارکوب علم و دانایی را آموخت؟ .. ✅

گوش کن و بگو



۱. چرا کوشا و نوشا لانه‌شان را ترک کردند؟

۲. چرا نوشا در کارهایش موفق نبود؟

۳. دوست داری مثل کدام پرنده باشی؟ چرا؟

۴.

گوش کن و بگو



۱. چرا کوشا و نوشا لانه‌شان را ترک کردند؟ برای کسب علم
۲. چرا نوشا در کارهایش موفق نبود؟ زیرا، صبر نداشت و تلاش نمی کرد.
۳. دوست داری مثل کدام پرنده باشی؟ چرا؟ کوشا، زیرا صبور و پرتلاش بود.
۴. سرانجام نوشا چه تصمیمی گرفت؟ تصمیم گرفت پیش پدر و مادرش برود.



کلمات هم خانواده

کلماتی که حروف مشترک دارند.

دارای ۳ ویژگی:

۱. حروف به ترتیب در کلمه ها بیاید.
۲. دو یا سه حرف مشترک داشته باشد.
۳. معنی شبیه به هم داشته باشد.



کلمه مشترک



گل

خندیدن

خنده رو

خندان

لبخند

کلمه مشترک



خند

بی مزه

با مزه

خوش مزه

بد مزه

کلمه مشترک

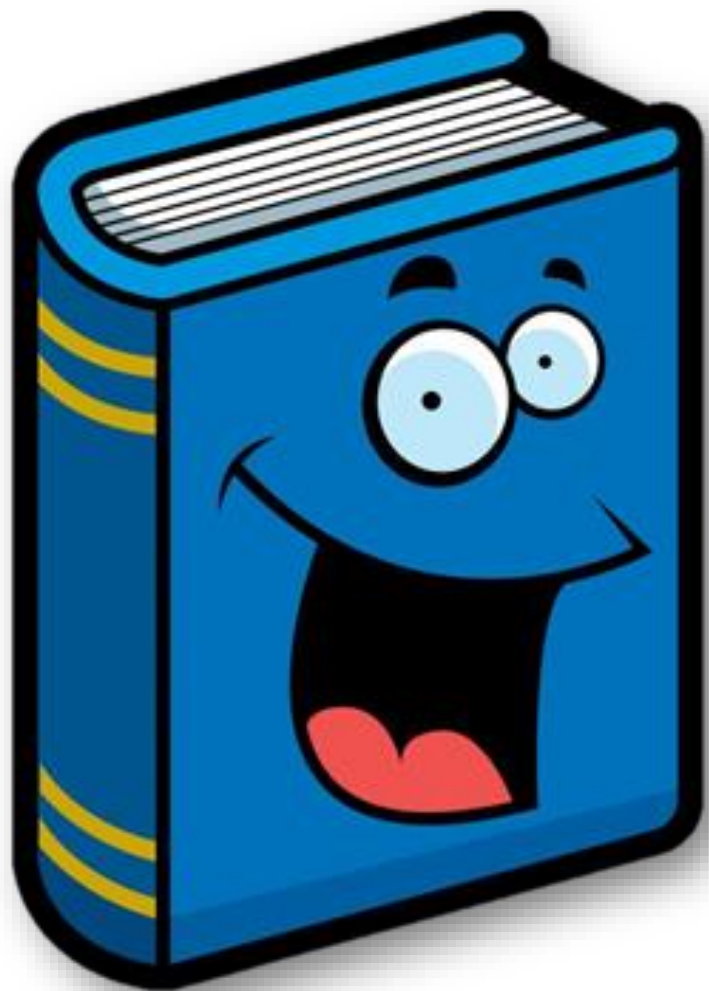


کتابدار

کتاب فروش

کتاب خانه

کلمه مشترک



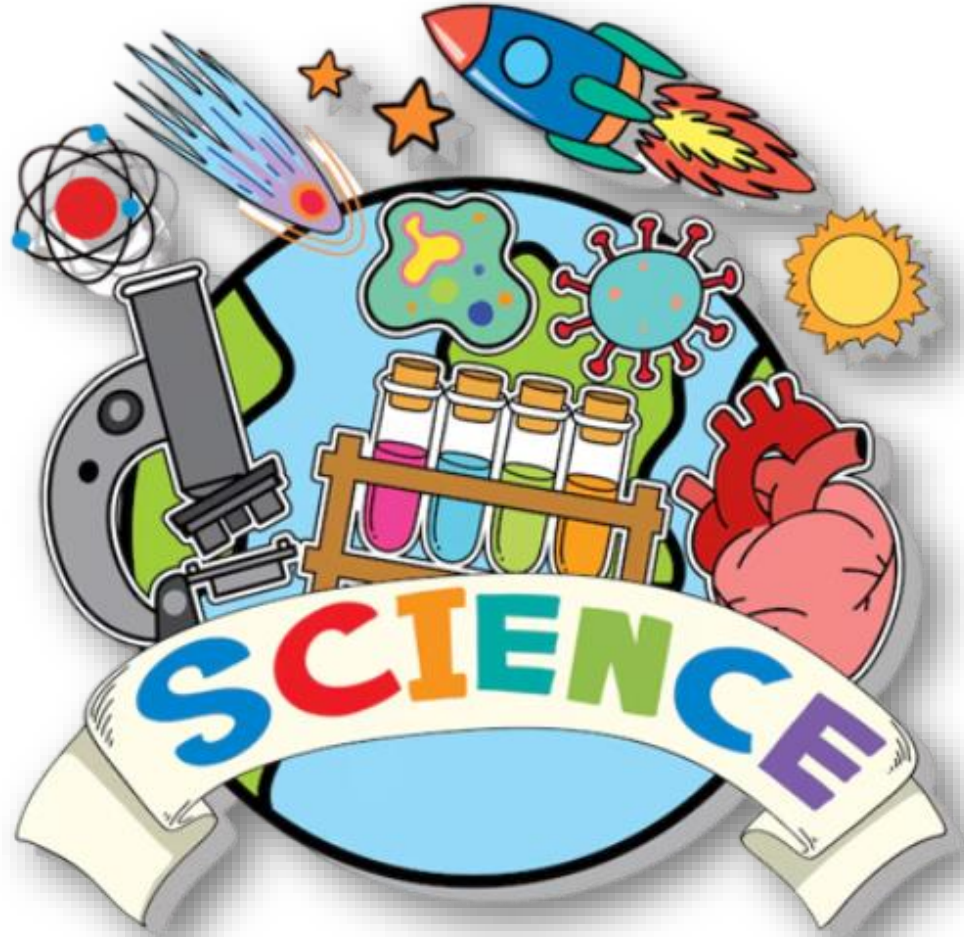
کتاب

دانشجو

دانش آموز

دانشمند

کلمہ مشترک



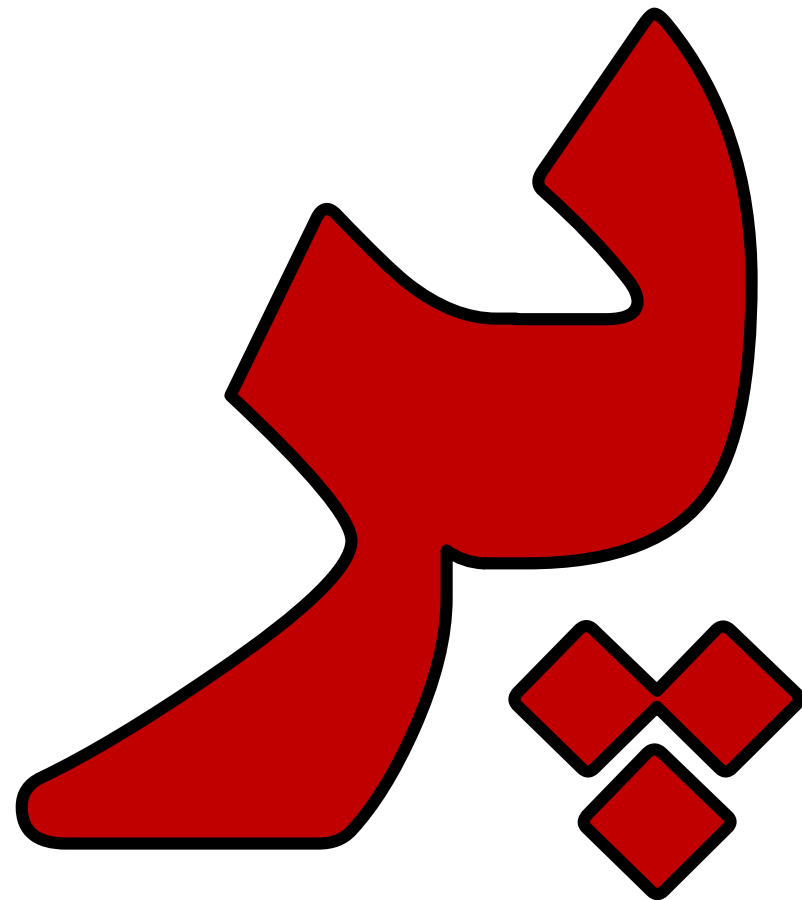
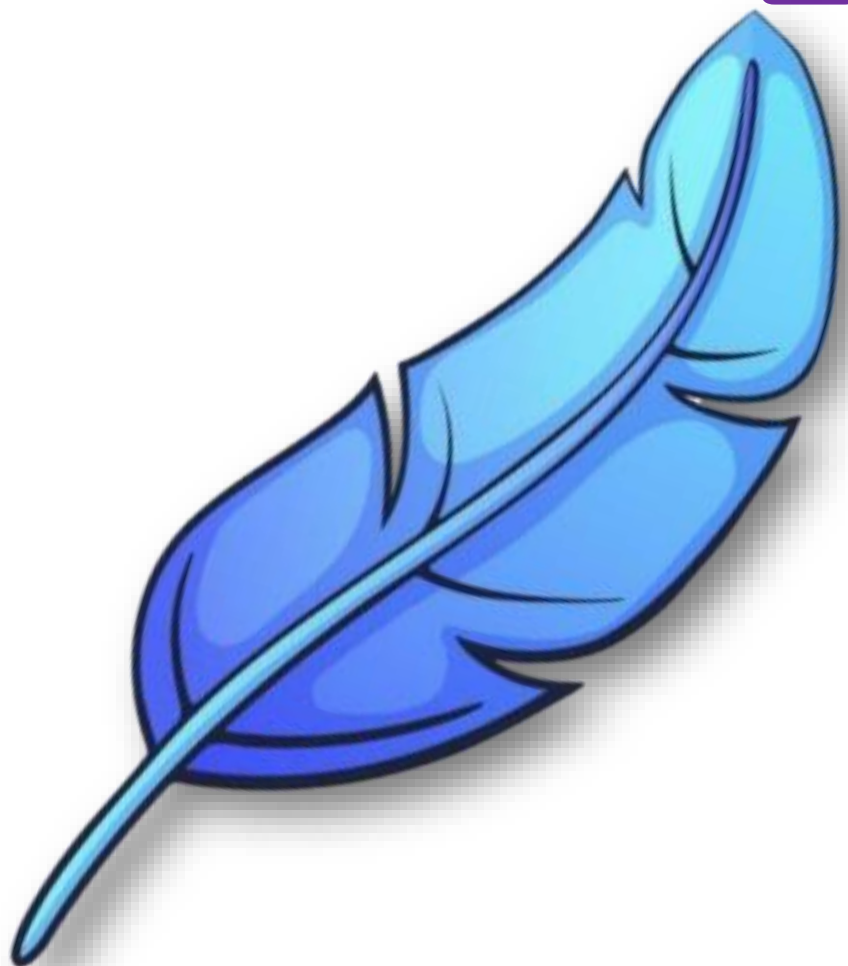
دانسی

پرواز کنان

پرواز

پرنده

کلمه مشترک



واژه سازی



- در کلمه های خندان، خندیدن، لبخند، خنده رو و خوش خنده، کلمه ی «خند» مشترک است.
- در کلمه های کوشا، کوشش، کوشیدن و می کوشد، کلمه ی «کوش» مشترک است.
- در کلمه های پرواز، پروازکنان، پریدن و پرنده، کلمه ی «پر» مشترک است.





حالا تو بگو

در هر دسته، کلمه‌ی مشترک کدام است؟

می‌خواست
خواستگاری
خواستن

گیاه‌خوار
گوشت‌خوار
علف‌خوار

سخن‌گو
سخن‌ران
سخن‌چین

دانش‌آموز
نوآموز
هنرآموز



حالا تو بگو

در هر دسته، کلمه‌ی مشترک کدام است؟

می‌خواست
خواستگاری
خواستن

خواست

گیاه خوار
گوشت خوار
علف خوار

خوار

سخن‌گو
سخن‌ران
سخن‌چین

سخن

دانش‌آموز
نوآموز
هنرآموز

آموز

مثال: مرغ: ← مرغ‌داری، تخم مرغ

بال:

دل:

آب:

(الف) کتاب فروش، کتابدار، کتاب‌خانه، کتاب‌ها،

(ب) خوش مزه، بامزه، بی مزه، بدمزه،

(پ) امروز، روزانه، روزی، دیروز،

مثال: مرغ: ← مرغ‌داری، تخم مرغ

..... سبک بال	 بال: بالدار
..... دل گیر	 دل: دل‌نشین
..... آب انبار	 آب: آبدار

..... کتاب	الف) کتاب فروش، کتابدار، کتاب‌خانه، کتاب‌ها،
..... مزه	ب) خوش مزه، بامزه، بی مزه، بدمزه،
..... روز	پ) امروز، روزانه، روزی، دیروز،



شکوفه

ماه

ستاره

هفته

کلاه

کوه

پرنده

مزرعه

شبیهِ

گروه

مزرعه



شکوفه





ستاره



-

پرندہ



خانه





09



כאן



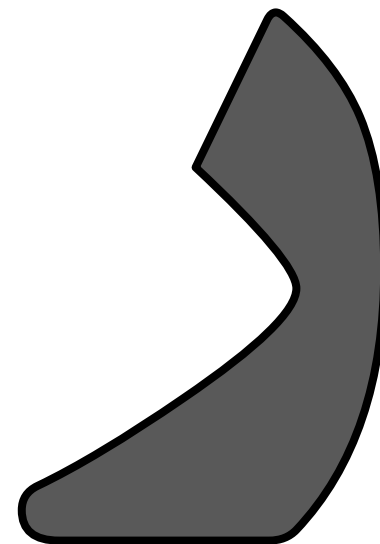
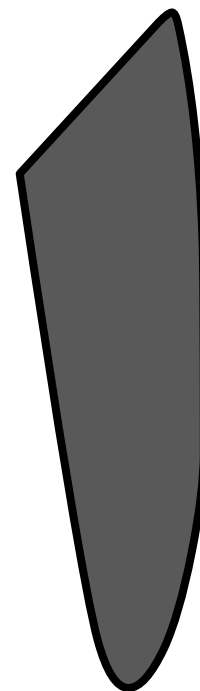
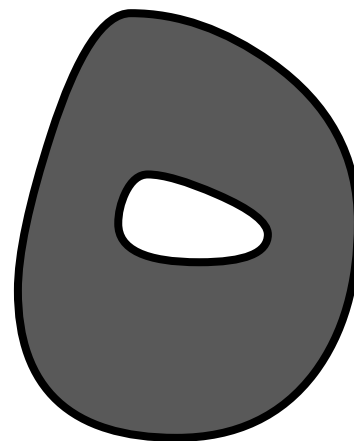
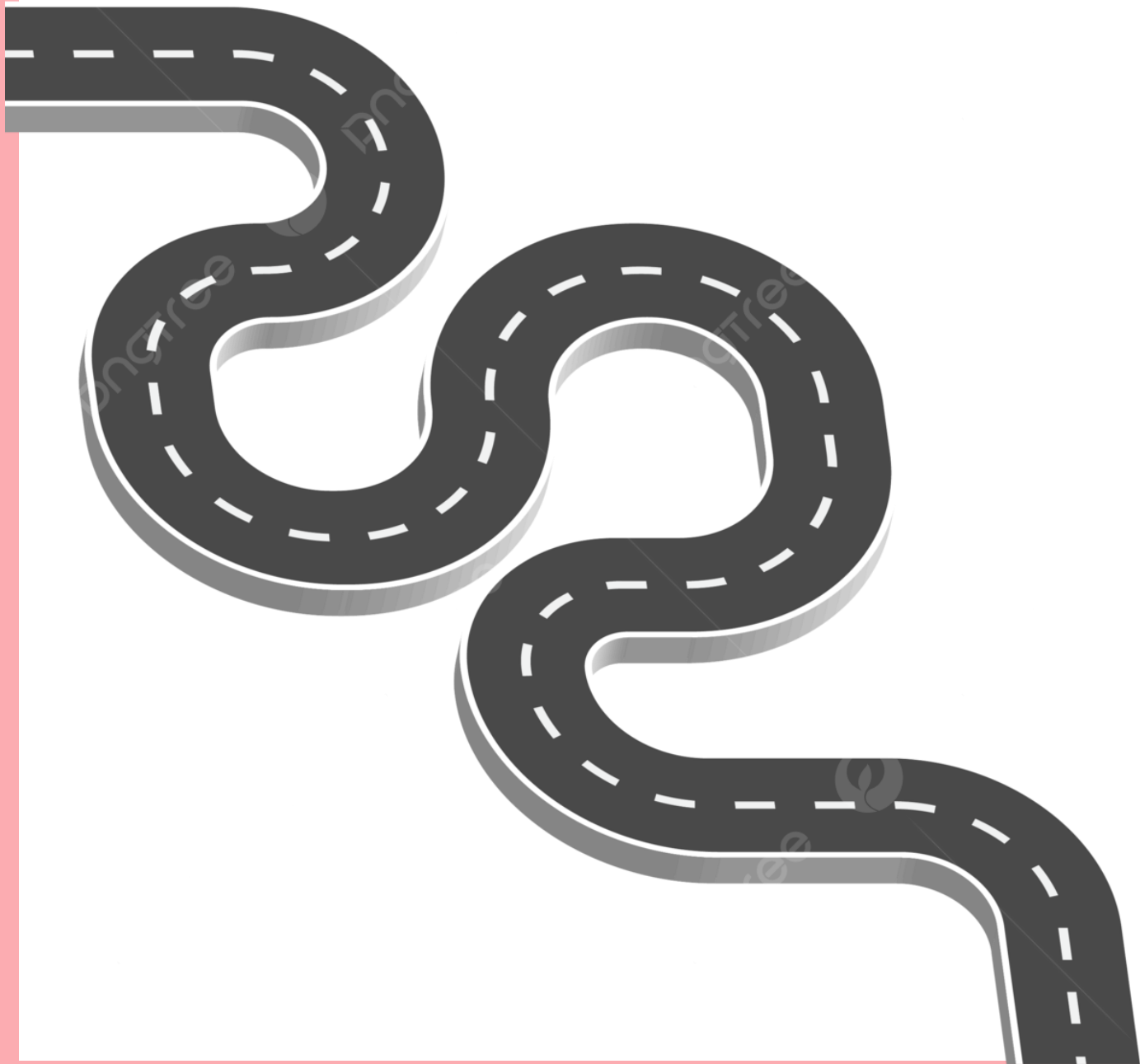
o lo

روز





شاه



صدای ا	صدای ه
ستاره	کلاه
مزرعه	گروه
شکوفه	ماه
هفته	راه
پرنده	کوه
خانه	شاه



بیاموز و بگو

وقتی این کلمه‌ها را می‌خوانید، در آخر آن‌ها صدای « ا » می‌شنوید.

گذشته، یک‌مرتبه، آهسته، شاخه، سایه، دوباره، شکوفه، پرنده

وقتی این کلمه‌ها را می‌خوانید، در آخر آن‌ها صدای « ه » می‌شنوید.

ماه، کوه، راه، چاه، شبیه، مه، گروه، سیاه

پیداکن و بگو



۱. کلمه‌هایی را که نشانه‌های «ه ه» در آخر آن‌ها صدای «اِ» می‌دهد.
۲. کلمه‌هایی را که نشانه‌های «ه ه» در آخر آن‌ها صدای «ه» می‌دهد.
۳.



پیداکن و بگو

۱. کلمه‌هایی را که نشانه‌های «ه ه» در آخر آن‌ها صدای «ا» می‌دهد.

۲. کلمه‌هایی را که نشانه‌های «ه ه» در آخر آن‌ها صدای «ه» می‌دهد.

۳. کلمه‌هایی را که حرف و در آن‌ها صدا نداشته باشد.

۱. پرنده - همیشه - شده - لانه - ساده - ادامه - خسته - شاخه - پاکیزه -
نگذشته - گرفته - همه - به

۲. شبیه - راه -

۲. خواستند - می‌خواست - خواند

کتاب خوانی



۱. بیشتر دوست داری درباره‌ی چه چیزهایی مطالعه کنی؟
۲. برای آنکه یک کتاب نوشته شود و به دست شما برسد، چه کسانی باید با هم همکاری کنند؟

کتاب خوانی



۱. بیشتر دوست داری درباره‌ی چه چیزهایی مطالعه کنی؟

۲. برای آنکه یک کتاب نوشته شود و به دست شما برسد، چه کسانی باید با هم همکاری کنند؟

۲. مؤلف – ویراستار – مؤسسه‌ی انتشارات – طراح – چاپخانه – کتاب فروشی

کلمه‌های زیر را با توجه به نشانه‌ی آخرشان دسته‌بندی کن.

صفحه ۴۵

کوه - کاسه - میوه - کاه - سیاه - راه - پایه - خانه - شانه - فایده

نشانه‌ی (اِ)	نشانه‌ی (ه)
.....	

کلمه‌های زیر را با توجه به نشانه‌ی آخرشان دسته‌بندی کن.

صفحه ۴۵

کوه - کاسه - میوه - کاه - سیاه - راه - پایه - خانه - شانه - فایده

نشانه‌ی (اِ)	نشانه‌ی (ه)
.....	کوه - کاه - سیاه - راه -

کاسه - میوه - پایه - خانه - شانه - فایده



حکایت

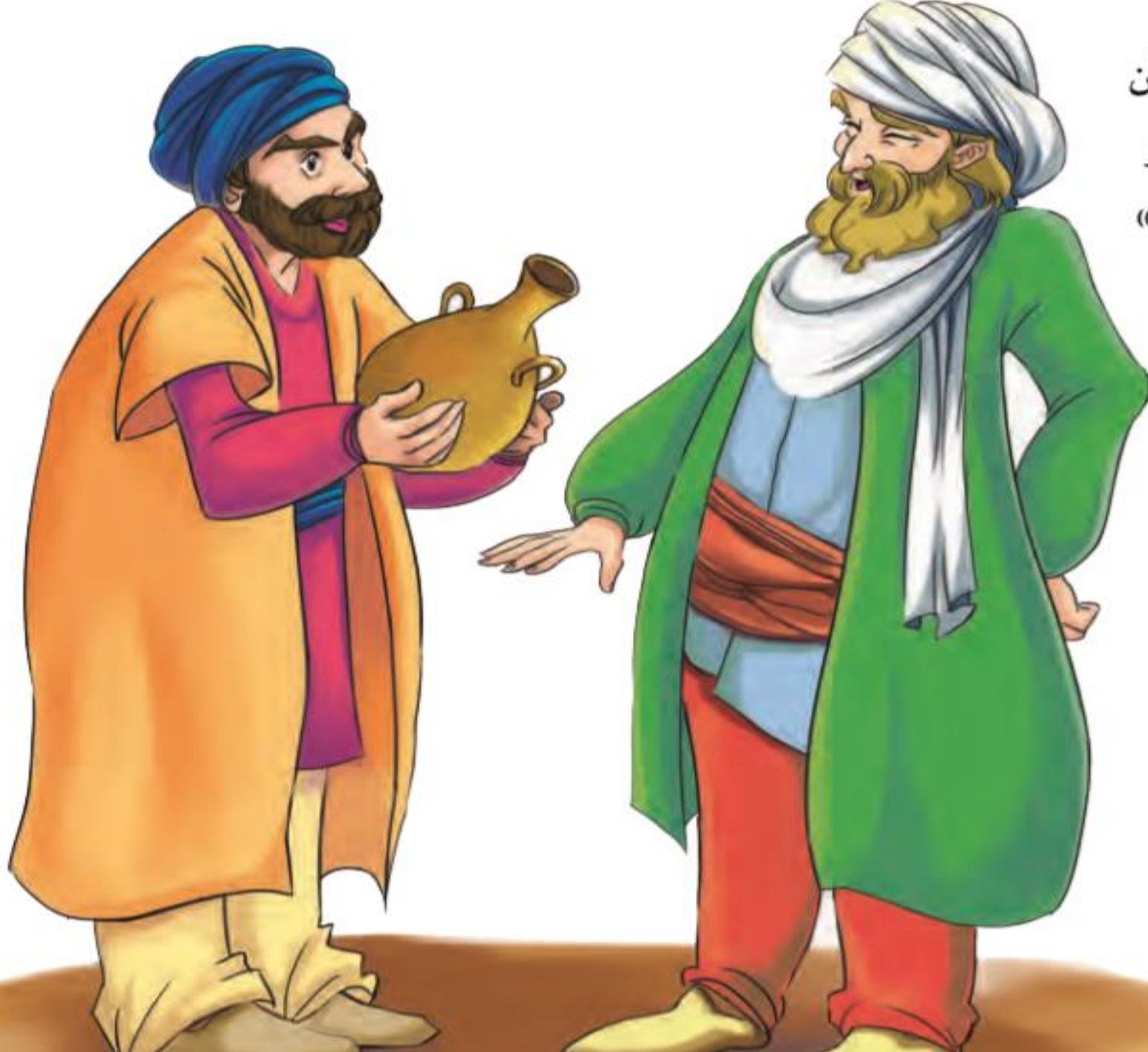
خوش اخلاقی

در زمان‌های کهن، مردی بود که اخلاق خوبی نداشت و برای هر چیز کوچکی خشمگین می‌شد و فریاد می‌زد و همه از او دوری می‌کردند، ولی بعد پشیمان می‌شد و دلش می‌خواست خوش اخلاق باشد، اما نمی‌دانست چه کار کند.

یکی از دوستانش که پزشک بود، به او گفت: «من دارویی می‌دهم که این رفتار ناپسند و اخلاقِ بدِ شما را درمان کند.»

روز بعد پزشک کوزه‌ای پُر از آب برای او فرستاد و نوشت: «هروقت خشمگین شدی، از این دارو، کمی بنوش.»

آن مرد مدّتی این دستور را اجرا کرد و دید دیگر مانند گذشته، خشمگین نمی‌شود و اخلاقش بهتر شده است.



روزی نزد دوستش رفت و گفت: «آن
دارویی که به من دادی خیلی خوب بود و
به زودی تمام می‌شود، باز کمی از آن به من بده.»
پزشک خندید و گفت: «در آن کوزه،
چیزی جز آب نبود و اگر فکر می‌کنی
اخلاق و رفتار شما خوب شده، برای
آن است که هر وقت خشمگین می‌شدی،
برای نوشیدن آب، کمی وقت لازم بود. همان
صبر و آرامشِ اندک، خشم شما را از بین برد
و اکنون خندان و خوش اخلاق شده‌ای.»

* به نظر شما چه چیزی باعث
خوش اخلاقی آن مرد شده است؟

به نظر شما چه چیزی باعث خوش اخلاقی آن مرد شده است؟

صبر و آرامش

